

زندگی و آثار صنّیع الملک

زندگی و آثار استاد صنّیع الملک (۱۲۲۹ - ۱۲۸۳ هـ.ق) // تألیف یحیی ذکاء؛ ویرایش و تدوین سیروس پرهام؛ ترجمه بخش انگلیسی کلود کریبسی. - تهران: مرکز نشر دانشگاهی، سازمان میراث فرهنگی کشور (معاونت معرفی و آموزش) ۱۳۸۲: ۲۳۲، ۶۵ ص.
شابک ۹۶۳-۰۱-۱۰۹۶-۵

محاسن این کتاب کدام است؟

۱. در میان کتاب‌هایی که درباره هنرمندان و هنروران ایران نوشته‌اند این اثر از نظر چاپ یکی از کارهای نفیس هنری است که تا به حال در ایران به چاپ رسیده است و جای آن در میان احوال و آثار هنروران عصر قاجار خالی بود.
۲. چاپ کتاب بسیار خوب انجام شده است.

۳. جلدی را که بر کتاب تعبیه کرده‌اند بسیار خوب و درخور آن است.
۴. صفحه‌آرایی آن خوب و مناسب است.

۵. کاغذ آن با محتوای مطلب و تصاویر مناسبت تام و تمام دارد.

۶. تصاویری را که از میان آثار استاد برای چاپ انتخاب کرده‌اند مناسب و بدون درهم‌آمیختگی چاپ شده و چشم‌نواز است.
۷. نمایه کتاب با اینکه جای مناسبی چاپ نشده، قابل استفاده است، اگرچه دشمن چشم‌های بیمار است.
این بود برخی از محاسن کتاب.

و اما معایب این کتاب کدام است؟

۱. اولین عیبی که متوجه این کتاب است نام کتاب است که روی روکش زیبا و چند رنگ آن می‌بینیم. کلمه «استاد» روی جلد در کنار لقب صنّیع الملک به کتاب حالت بازاری داده و از ارزش کلی آن کاسته است. مگر صنّیع الملک، بدیع الزمان فروزانفر است که هر کجا نام بدیع الزمان به میان می‌آید ذهن‌ها متوجه بدیع الزمان فروزانفر خراسانی می‌شود. خواننده از کجا بداند که در میان چند صنّیع الملک دوران قاجار، این کدام صنّیع الملک است. لغت استاد را امروزه هر بی‌مایه‌ای اطلاق می‌کنند. صنّیع الملکی که مورد نظر این کتاب است «میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی» است. چرا باید به جای نام اصلی او، میرزا ابوالحسن خان، کلمه استاد بیاید؟ کلمه استاد را حتی اگر استاد ابوالحسن خان غفاری کاشانی روی جلد کتاب

بیرون آورد و اثری ماندگار درباره سرگذشت و آثار او تألیف و تدوین کند که این نوشته مختصر بررسی همان اثر است.

نگارنده این مختصر دوست نداشت درباره این کتاب و مؤلف آن - که او را دوست می‌دارد و به آثار او علاقه دارد - چیزی بنویسد. ولی بنابر وظیفه و تکلیف فرهنگی که بر عهده خود در قبال انتشار نامه بهارستان احساس می‌کند، این چند سطر را قلمی می‌دارد. بدان امید که این مختصر راهگشای برخی از معایب این کتاب باشد و در چاپ‌های بعدی به آن نکات توجه شود.

از زنده‌یاد یحیی ذکاء تا به حال چند اثر خوب و مقالات ارزنده‌ای منتشر شده است. یحیی ذکاء دست به هر کار قلمی می‌زد به راستی که خوب از عهده آن بر می‌آمد. کارهایش را با صبر و حوصله دنبال می‌کرد و برای غنا بخشیدن به کارهای قلمی خود به هر کجا و هر کسی که لازم بود سر می‌زد تا اطلاعات درست را از نادرست بازشناساند و واقعیت را آشکار کند. آخرین کاری که از ذکاء انتشار یافته همین زندگانی و آثار صنّیع الملک، نقاش نامدار دوران قاجار، است. دریغا که اجل به این محقق توانا چندان مهلت نداد که این آخرین کار او زیر نظر خودش به چاپ برسد و حاصل زحمات خود را ببیند. همین اشاره کوتاه به صداقت علمی و کارهای قلمی ذکاء کافی است، زیرا او شناخته‌تر از آن است که بیشتر به معرفی آن بپردازیم.

میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی صنّیع الملک که این کتاب درباره سرگذشت و آثار او تألیف و تدوین گردیده یکی از نام‌آوران عرصه نگارگری ایران در دوران قاجار است.

در دو سه قرن اخیر قریب دوازده نفر هنرور از خاندان غفاری کاشانی برخاسته‌اند که معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. میرزا محمدخان غفاری کمال الملک.
۲. میرزا ابوالحسن خان غفاری صنّیع الملک، عموی کمال الملک (موضوع این کتاب).
۳. میرزا ابوتراب خان غفاری برادر کمال الملک.

در این مقاله به دیگران نمی‌پردازیم. از این سه هنرور معروفیت کمال الملک به حدی چشمگیر شد که آتش نام عمویش صنّیع الملک و برادرش میرزا ابوتراب در زیر خاکستر فراموشی پنهان شد، با اینکه این دو هنرور هر دو از چهره‌های برجسته نگارگری ایران در روزگار خود (دوره قاجار) بودند و این خود پیداست که این هر دو اگر در برخی از جهات با کمال الملک برابری نداشتند، از او نیز کمتر نبودند و شاید علت معروفیت بسیار کمال الملک در دیرزیستن او باشد. زنده‌یاد یحیی ذکاء که یکی از چهره‌های برجسته عرصه تحقیق ایران در پنجاه سال گذشته است و مطالعه دامنه‌داری در احوال و آثار هنروران دوران قاجار دارد به این فکر افتاد که زندگی و آثار میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی صنّیع الملک را از زیر خاکستر فراموشی

آورده بودند در اینجا نه تنها چیزی بر محبوبیت میرزا ابوالحسن خان غفاری صنیع الملک نمی‌افزود، بلکه به ذهن برخی از خوانندگان خطور می‌کرد که مؤلف و یا ویراستار محترم خواسته‌اند با کلمه استاد به معروفیت میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی صنیع الملک بیفزایند و فروش کتاب را در پناه کلمه استاد بیشتر کنند، غافل از اینکه این کلمه «استاد» در کنار نام صنیع الملک (در اینجا) بسیار نامناسب نشسته است. به نظر نمی‌رسد این بی‌توجهی زائیده اندیشه مؤلف باشد. چرا که مؤلف بر کتاب خود «سرگذشت و آثار صنیع الملک ۱۲۲۹ - ۱۲۸۳ ه. ش.» نام داده است و این نام جدید از ویراستار یا از ناشران کتاب است.

۲. از کی مرسوم شده است که نام ویراستار به درستی نام مؤلف روی جلد کتاب بیاید. جای نام ویراستار در شناسنامه کتاب است و بس. اگر چه از قرائن پیداست که این کتاب خود به ویراستار نیازی نداشته و همه کارهایی را که باید ویراستار محترم انجام دهد خود مؤلف انجام داده بوده است.

برای اینکه نقش ویراستار و عملکرد او در این کتاب روشن شود چند سطر از «سراغاز و سپاس» را که ویراستار به جای مقدمه کتاب نوشته‌اند مطالعه بفرمایید:

«پژوهش‌های استاد فقید در فراهم آوردن کتاب حاضر چه از حیث نگارش و تدوین و چه از جهت یافتن هر اثر و عکس‌برداری کارهای صنیع الملک با درگذشت او ناتمام ماند به اقتضای گرامی داشت و به پاس حرمت این میراث والای فرهنگی شایسته نبود که در شیوه تدوین و طرح و ساختار اصلی کتاب دست برده شود خصوصاً آنکه معرفی و بررسی و تحلیل آثار صنیع الملک بر ترتیب تاریخی و زمان آفرینش آنها مرتب گشته است. چنین است که جز مرتب گردانیدن نقاشی‌ها در پنج بخش جداگانه بر اساس سبک و شیوه نگارگری به جای ترتیب تاریخی تغییر عمده دیگری ضرورت دانسته نشد. برای

اینکه پیوند هر تصویر با شرح مفصل آن در متن کتاب همچنان استوار باشد شماره تصویری را که شرح متن بدان مرجوع است با رقم درشت و سیاه داخل دو کمانک برابر عنوان شرح نهاده‌ایم. جز این برخی تعديلات و افزودن‌ها مانند به روز آوردن اطلاعات و افزودن حدود سی و پنج تصویر و گسترش و تکمیل شرح تصاویر و تدوین مقدمه‌ای بر هر یک از بخش‌های پنجگانه نیز لازم آمده است» (ص ۱۱).

بنا به نوشته ویراستار که در بالا ملاحظه فرمودید تنها کاری که ویراستار در این کتاب انجام داده‌اند پنج مقدمه بر پنج بخش کتاب افزوده‌اند و سی و پنج تصویر از کارهای صنیع الملک را به تصاویر دیگر برافزوده‌اند. ولی ایشان نه در نوشته آغازین کتاب و نه در مقدمه‌های پنجگانه خودشان روشن نکرده‌اند که آن تصاویر کدامین تصویرها هستند که بر مجموعه گردآوری مؤلف افزوده‌اند. پس عملکرد ایشان روشن است و کاری به عنوان ویراستاری روی این اثر انجام نشده است. و عملاً نام ویراستار به اندازه نام مؤلف در روی جلد کتاب و در شناسنامه زائد است. جا داشت برای آن که حق زحمات ایشان معلوم شود که چه اندازه در چاپ و انتشار این کتاب نقش داشته‌اند در شناسنامه می‌آمد: این کتاب زیر نظر و همکاری همه جانبه استاد گرامی جناب آقای دکتر سیروس پرهام به چاپ رسیده است. نه اینکه روی جلد شریکی برای مؤلف بتراشند و نام ویراستار را بزرگ‌تر از نام مؤلف روی جلد کتاب بیاورند.

۳. مجموعه تصاویری را که در کتاب آمده به سهولت نمی‌توان شناخت. حتماً باید مجموع نمایه را زیر و رو کرد تا تصویری را که دنبال آن هستی به دست آوری.

۴. مهم‌ترین عیب و ایرادی که بر این اثر هنری وارد است و معلوم نیست که متوجه مؤلف محترم است یا به اصطلاح ویراستار آن، این است که کتاب فاقد روزشمار زندگانی هنرمند و نیز فاقد سالشمار آثار

نگارگر است که باید به دقت فراهم می‌آمد و بعد از پیشگفتار به صورت زیر ارائه می‌شد، مثلاً میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی صنیع الملک حدوداً در سال ...

۱۲۲۹ ه. ش. در کاشان تولد یافت و تا ۱۵ - ۱۶ سالگی در همان شهر اقامت داشت.

۱۲۴۵ ه. ش. در سن ۱۵ - ۱۶ سالگی افتخار شاگردی استاد مهرعلی اصفهانی را یافت.

۱۲۴۵ ه. ش. تک چهره استاد خود مهرعلی اصفهانی را کشید (همین کتاب ص ۱۹).

۱۲۵۸ ه. ش. چهره محمدشاه قاجار را ترسیم کرد (همین کتاب، ص ۸۲).

۱۲۲۲ - ۱۲۶۴ ه. ش. اجازه یافت تابلو رنگ روغن محمدشاه قاجار را بکشد (شاید تاریخ درست نباشد).

۱۲۵۸ ه. ش. تصویر خورشید خاتم را کشید (در موزه کاخ گلستان و همین کتاب، ص ۲۰).

۱۲۵۸ ه. ش. تصویر دیگری از محمدشاه کشید (همین کتاب، ص ۸۱).

۱۲۵۹ ه. ش. تصویر دو دلداه را کشید (موزه کاخ گلستان و همین کتاب، ص ۱۵۴).

الی آخر چون این روش بهترین روش دستیابی به آثار هنرمند است. باید یادآور شد که با تدوین چنین روز شمار و سالشماری نه تنها آنچه اثر از صنیع الملک در این کتاب آمده بلکه در هر کجا اثری از این هنرمند دیده می‌شد به همین صورت فیش برداری می‌شد و بعدها هم اگر اثر دیگری از این استاد به دست می‌آمد و مؤلف ندیده بود بر این سالشمار می‌افزودند. حتی می‌شد سالشمار زندگی هنری او را در یکجا تدوین کرد، کاری که درباره کمال الملک و میرزا ابوتراب انجام داده‌اند. و در پایان کتاب یک کتابشناسی هنری و زندگانی کامل برای او فراهم می‌آورند. آن وقت می‌شد قبول کرد که یک کار کامل درباره میرزا ابوالحسن خان انجام شده است. و به راحتی به زوایای زندگانی و نیز زندگانی هنری آثار او راه یافت. با این سالشمار معلوم می‌شد که میرزا ابوالحسن خان غفاری در دوران حیات خود کجا رفته و چه کارهای قلمی انجام داده و آثار او چند تا است و در کجا نگهداری

می‌شود. مقصود از انتشار هر اثری، آگاهی یافتن از احوال و آثار صاحب اثر است. شاید ویراستار محترم بفرمایند این کار را مؤلف در نوشته خود ص ۱۹-۵۸ این کتاب انجام داده است. در این شک نیست که مؤلف هر اثری از صنایع الملک غفاری دیده دقیق به معرفی آن پرداخته است. اما اینک قریب ۱۴۴ سال بلکه بیشتر از درگذشت میرزا ابوالحسن خان گذشته است و در این ایام طولانی آثار بسیاری از او در روزنامه‌ها و مجلات ایران به چاپ رسیده که مؤلف بسیاری از آنها را ندیده است و باید آنها روزی در سالشمار هنری او ثبت شود. و جای معرفی آنها کجاست، همین جا و کجا مناسب‌تر از اینجا. یکی دیگر از کارهایی که باید درباره کتاب‌های هنری مثل این کتاب انجام داد راهنمایی مراجعه کننده است که بتواند به سهولت به آثار هنرمند هر کتابی به راحتی دست پیدا کند. مقدمه‌های آقای پیرام بر هر بخش این مسئولیت را به خوبی انجام نمی‌دهد مگر یکی دو جا، نوشته‌های او یک بحث کلی است و بس. این پیداست که یک مجموعه آثار هنری در بردارنده مجموعه‌ای از طرح و تصویرهاست که مراجعه کننده می‌خواهد دقیق آنها را شناسایی کند و از نظر رنگ آمیزی و چهره پردازی آنها را به خوبی بشناسد و بشناساند. کاری را که مؤلف در چهل صفحه آغازین کتاب به دقت انجام داده است. ویراستار محترم که خود اهل قلم و یکی از شناخته شده‌های عرصه فرهنگ است می‌داند که مراجعه کنندگان به این کتاب‌های هنری کسانی نیستند که داستان حسین کرد شبستری و امیر ارسلان نامدار را بهترین کتاب می‌دانند و می‌خوانند. مراجعه کننده این گونه کتاب‌ها یا نگارگرند، یا هنرشناس یا موزه دار یا منتقد آثار هنری. و چنین مقدمه‌هایی به طور مسلم برای آنها توضیح واضح است یا یک توهین محترمانه.

نکته دیگری که ویراستار در «سرآغاز و سپاس» خود آورده و به صراحت نوشته

است که «مرگ [به مؤلف] امان نداد تا ثمره چهل سال پژوهش پیوسته [خود] را ببیند و چشمان قلم فرسودش آسوده شود.» (همین کتاب، ص ۱۱) راستی از خودمان سوال کنیم که زنده یاد یحیی ذکاء در مدت چهل سال، چه کاری درباره میرزا ابوالحسن خان غفاری انجام داده که مجموعه دست نوشته او تنها ۴۰ صفحه کتاب را در بردارد. اگر مجموعه تحقیقات زنده یاد ذکاء همین چهل صفحه است و استاد سالی یک صفحه در این زمینه تحقیق کرده‌اند و این چهل صفحه حاصل چهل سال عمر اوست باید بگویم در مقابل کارهای دیگری سقوط فاحش کرده و اگر مجموعه تحقیقات او دامنه دار است و در این کتاب فقط همین چهل صفحه آن تحقیقات آمده، امر دیگر است که نمی‌دانم و شگفت آور است. در اینجا بجاست که به نکته ظریفی در مورد این تحقیقات زنده یاد ذکاء و آثار قلمی میرزا ابوالحسن غفاری اشاره کنم و آن این است که در حقیقت میرزا ابوالحسن خان غفاری صنایع الملک یکی از هنروان خوشبخت خاندان غفاری است، زیرا دوران فعالیت و آغاز تحصیلات استاد و راه‌یابی او به دربار محمدشاه و تحصیل او در ایتالیا و دوره‌های دیگر فعالیت کاری و هنری او خیلی روشن و آشکار است. و استاد ذکاء به راحتی به مجموعه آثار قلمی او دسترسی داشته‌اند: مجموعه کارهای او که در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. مانند آثار پراکنده او، کتاب هزار و یک شب، رساله شکاریه و دوره روزنامه دولت علیه ایران است که به صورت ناقص و کامل در کتابخانه‌های کشور موجود است. بیشتر زحمات زنده یاد ذکاء را باید متوجه دست‌یابی به کارهای پراکنده میرزا ابوالحسن خان صنایع الملک دانست که آنچه در این چهل صفحه به قلم ایشان معرفی شده نمی‌تواند حاصل چهل سال کار مداوم باشد و اگر چهار سال هم به‌شمار آوریم باز هم زیاد است.

دشوارترین کار ذکاء در این تحقیق، شناسایی کارهای بی‌امضای میرزا ابوالحسن خان غفاری است که او طراحی کرده و شاگردانش تمام کرده‌اند - یا کارهایی که بنا بر عللی از امضا کردن آنها خودداری نموده است. از قرائن پیداست که این همه موهبت عالی را که خداوند نصیب میرزا ابوالحسن خان غفاری کرده نصیب هنرور دیگری در ایران نکرده است. صنایع الملک حدود ۵۲ الی ۵۴ سال زیسته است و مجموعه آثاری که از او باقی مانده حاصل ۲۰ الی ۲۵ سال دوران پایانی عمر اوست و از کارهایی که از او در دست داریم باید آثار کمی مانده باشند که در اختیار نداریم. در روزگاری که میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی دربار محمدشاه بود، آقا بزرگ غفاری برادر وی و پدر میرزا محمد غفاری کمال الملک و ابوتراب غفاری نیز از نقاشان دربار بود، اما آثار زیادی از او دیده نشده است. نکته دیگری ویراستار محترم آورده است که صنایع الملک یکی از پرکارترین چهره‌های نگارگری ایران است. شاید درست باشد. اما این نکته را نباید از نظر دور بداریم که از دوران صفویه به بعد هنروان بسیاری در عرصه هنر نگارگری ایران ظهور کرده‌اند، ولی فهرست کاملی از آثار هیچ یک از این هنروان در دست نداریم تا روشن شود دیگران به اندازه صنایع الملک غفاری کار کرده‌اند یا نه!

چند سال بعد از مرگ میرزا ابوالحسن خان غفاری صنایع الملک، میرزا محمدخان غفاری کمال الملک و میرزا ابوتراب خان غفاری، برادرزاده‌های صنایع الملک، به دنیا آمدند. میرزا محمدخان غفاری کمال الملک نیازی به معرفی ندارد. اما برادرزاده دیگر میرزا ابوالحسن خان، ابوتراب، هنوز خیلی جوان بود که به دارالفنون تهران راه یافت و مانند پدر و عمو و برادرش از هنر موروثی خاندان خود بهره کافی داشت خیلی زود در دارالفنون از نردبان ترقی بالا رفت و به دستور برادرش، میرزا محمدخان غفاری کمال الملک، عهده دار نقاشی اداره دارالطباعه و دارالترجمه

دولتی گردید و خود زیردست دو تن از نام‌آوران عهد ناصری، یکی محمدحسن خان صنیع الدوله (اعتماد السلطنه بعدی) رئیس دارالطباعة و دیگری رئیس دارالترجمة دولتی، میرزا محمدحسین خان فروغی، ادیب اصفهانی و معروف به ذکاءالملک اول به کار پرداخت و اگر این هنرور جوان در ۲۷ سالگی چشم از جهان نمی‌پوشید و در امام‌زاده حسن تهران به خواب ابدی فرو نمی‌رفت، دور نبود که با آن قلم توانایی که داشت از عمویش میرزا ابوالحسن خان غفاری در کار پیشی بگیرد. در دو جلد کتابی که در اختیار دارم، در جلد اول آن ۳۸۴ تصویر مشکل به قلم و امضای این هنرور آمده است. حال حساب بفرمایید اگر میرزا ابوتراب خان غفاری به اندازه عمویش میرزا ابوالحسن خان و برادرش میرزا محمد عمر می‌کرد، حاصل دوران عمر او چند پرده نقاشی اعلا می‌بود؟ و مسلم حاصل کار او از عمویش بیشتر می‌شد.

نکته دیگر درباره پرده‌های تالار نظامیه است که معرفی آنها صورت علمی ندارد و آن پرده‌ها اینک در موزه ملی نگهداری می‌شوند. پرده‌های تالار نظامیه از کارهای معجزه‌آسای میرزا ابوالحسن خان غفاری صنیع‌الملک است. مؤلف اسامی صف سلام تالار نظامیه را از روی پرده‌ها بیرون نویس کرده و اسامی آنها را به صورت درهم ثبت نموده است در صورتی که مؤلف یا ویراستار باید به هر یک از تصویر رجال در این پرده یک شماره می‌دادند، به صورت ۱-۲-۳ الی آخر و بعد اسامی را به صورت الفبایی ذکر می‌کردند تا به راحتی بتوان آنها را باز شناخت.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که متن فارسی و انگلیسی

کتاب باید به دنبال هم در کتاب می‌آمد و نمایه در آخر کتاب قرار می‌گرفت که دستیابی به آن آسان‌تر می‌بود.

نکته دیگری که ویراستار نوشته‌اند: «پژوهش‌های استاد فقید در فراهم آوردن کتاب حاضر چه از حیث نگارش تدوین و چه از جهت یافتن و عکس برداری کارهای صنیع‌الملک با درگذشت او ناتمام ماند» درست نیست چرا که از پیشگفتاری که ذکاء بر این اثر نوشته پیداست که وی کار خود را تمام شده تلقی کرده و پیشگفتار او نقطه پایان او بر این کتاب است. از پیشگفتار و بررسی آثار صنیع‌الملک که مؤلف تا روز مرگ به آن پرداخته پیداست که مؤلف کار خود را تمام شده می‌داند نه ناقص. و چون فهرست کامل و دقیقی از مجموعه کارهای این استاد در دست نیست، شاید اگر زنده‌نام یحیی ذکاء بیست سال دیگر زنده بود و باز تلاش می‌کرد که اینجا و آنجا اثر دیگری از صنیع‌الملک پیدا کند و به کارنامه قلمی خود و صنیع‌الملک بیفزاید شاید کارش به جایی می‌رسید.

برای اینکه سخن بیش از این طولانی نشود باید صمیمانه به نظر خوانندگان گرامی برسانم این کتاب با این هزینه سنگین و قیمت گزاف شنیده شده (چون کتاب قیمت ندارد) نه جوابگوی شهرت مقام صنیع‌الملک غفاری است و نه نموداری از تلاش چهل ساله مداوم زنده‌یاد یحیی ذکاء.

چند تصویر از کارهای قلمی صنیع‌الملک را که در این مجموعه نیامده و اینجا و آنجا دیده‌ام و در این نوشته به آنها اشاره می‌شود، باشد که غنای بیشتری به این مجموعه در چاپ‌های بعدی بدهد.

یکی از این تصاویر تصویر حاجی میرزا آغاسی است که مشابه‌اش در کتاب، ص ۸۳، آمده است. این تصویر در مجموعه آثار شرقی در موزه لنینگراد آمده (لنینگراد، ۱۹۷۵، ص ۱۲۲) و من عکس آن را در کتاب گزارش کویر، سفرنامه صفاء السلطنه نائینی (تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۷۶) به چاپ رسانده‌ام. تفاوت‌هایی که در این دو پرده کار صنیع‌الملک دیده می‌شود به خوبی روشن است. هر دو تصویر نزدیک به هم ترسیم شده‌اند. جبهه‌ای که بر تن حاجی میرزا آقاسی است در دو تصویر یکی است، یک جاکمی نو است و یک جا کمی رنگ و رو رفته. عبای هر دو تصویر یکی است. تصویری که در کتاب آمده فاقد امضا و تصویری که در این نوشته آمده در سنه ۱۲۶۲ ترسیم شده و تغییرات در آن به خوبی معلوم است.

پرده دیگری که در این نوشته ملاحظه می‌فرمایید تصویر پرده تالار آئینه اثر میرزا ابوالحسن خان غفاری است که یکی از کارهای معروف اوست. تصویر این پرده در سالنامه پارس سال ۱۳۱۵ ش = برابر ۱۳۵۵ هـ. بین ص ۲۲۴-۲۲۵ به چاپ رسیده است. ظاهراً تالار آئینه را میرزا ابوالحسن خان غفاری صنیع‌الملک و میرزا محمدخان غفاری کمال‌الملک هر دو ترسیم کرده‌اند. نوشته‌اند کمال‌الملک ۶ سال عمر در سر این پرده گذاشته است. فهرست برخی از کارهای پراکنده صنیع‌الملک را نگارنده در کتاب‌شناسی می‌تواند برای اطلاع بیشتر به آنجا مراجعه کنند.

محمد گلبن